



۲۰۱۶/۰۴/۲۷



محمد حیدر اختر

رسالت رسانه ها در قبال جنایت کاران

همه آگاهی یافتند که لیست پنج هزار تن از آن هموطنان ما که در زمان رژیم سفاک و متکی به اتحاد جماهیر اشتراکیه سابق، توسط دستگاه جهانی اکسای خلقی ها به شهادت رسیده اند، نتیجه تحقیقات مقامات هالندی، از طریق روزنامه هشت صبح در کابل انتشار یافت. بر علاوه کسانی که نام عزیزان شانرا در لیست دیدند و داغ و اندوه گذشته برای شان بار دیگر تازه شد، باعث تأثر و اندوه عمیق برای همه هموطنان در داخل و خارج کشور نیز گردید.



روزنامه هشت صبح با نشر این موضوع رسالت خویش را در مقابل مردم داغ دیده و رنج کشیده خود به نحو حسن اجرا کرد، به تعقیب آن این خبر سرخط بسیاری از نشرات یعنی تلویزیون ها، رادیو ها و تمام روزنامه ها، هفته نامه ها و مجلات و همچنان وبسایت ها و

فیسبوک های شخصی نیز قرار گرفت و به صفت داغترین موضوع در سراسر جهان تکثیر گردید.

دیده شده است که بعد از سقوط رژیم دست نشاندۀ شوروی سابق در افغانستان در سال ۱۹۹۲ میلادی و فرار اعضای حزب دیموکراتیک خلق از آن کشور و سرازیر شدن آن ها در کشور های اروپایی، امریکا و استرالیا، نخست خود را جمع و جور کرده و به تعقیب آن تلاش زیاد به خرج داده و می دهند تا بتوانند بالای جنایات چهارده ساله شان خاک انداخته و توجه مردم شریف افغانستان و همچنان جهانیان را به جنایات تنظیم های جهادی سابق معطوف نمایند. این گروه نا بکار در اروپا و امریکا بر علاوه فعالیت سیاسی پنهان و عیان، به فعالیت های فرهنگی آغاز نموده و با نشرات خارج کشور که توسط هموطنان ما در کشورهای مختلف فعالیت داشته و دارند خویش را نزدیک و نزدیکتر ساخته با نوشتن مقالات، اشعار به نام های اصلی و بعضاً هم به نام های مستعار پرداختند.

گردانندگان هفته نامه ها، ماهنامه ها و تلویزیون ها و حتی وبسایت ها نزدیک شدن آنها را جدی نگرفته به همکاری شان لبیک گفتند و مضامین شانرا پذیرفتند. با تأسف می بینیم که اعضای بلند پایه حزب دیموکراتیک خلق در تلویزیون هایی که از داخل افغانستان نشرات دارند منحنیث آگاهان سیاسی، نظامی، اقتصادی و تجاری ظاهر می شوند و نظریات به اصطلاح مدیرانه شانرا به کمال افتخار ارائه می دارند و اصلاً به روی خویش نمی آورند که در گذشته چه بلای بر سر افغانستان و مردم رنج دیده آن آورده اند که تا امروز روی آرامی را ندیده اند. گردانندگان

برنامه‌ها ایشان را منحصیث شخصیت‌های آگاه با القاب پرطمطران برای بینندگان‌شان معرفی می‌دارند و از ایشان شخصیت‌های دروغین ساخته و می‌سازند.



حتی بعضاً دیده شده که یکی از اعضای برجسته حزب دیموکراتیک خلق که عضویت سازمان جاسوسی کی جی بی را نیز داشت با خرید سه چار ساعت وقت برنامه، در یکی از تلویزیون‌های خصوصی در کابل مصاحبه انجام داده و با چرب‌زبانی مانند موسیچه بی‌گناه تمام اتهاماتی را که بالایش وارد بوده و است با چشم سفیدی و دیده‌درایی رد نمود.

پس از فروپاشی رژیم مردم‌کش خویش، نفوذ و همکاری را با تنظیم‌های جهادی روی دست گرفتند. نقابی که در روی سیاه گذاشتند، نقاب قومی بود.

بعد از سقوط رژیم طالبان و روی کار آمدن حکومت انتقالی اکثر اعضای حزب دیموکراتیک خلق (از هر دو جناح آن، خلقی و پرچمی. ادیتور) که در کشور‌های اروپایی پناهندگی‌شان قبول نشده و یا اینکه از مقام و موقف گذشته‌ای که داشتند به دور مانده بودند دوباره به کشور رفته با شناخت و ساخت و بافت‌هایی که داشتند در ادارات دولتی، پارلمان و دیگر عرصه‌ها به کار و فعالیت آغاز نموده و حتی بعضی از اعضای شناخته شده آنها که به نقض حقوق بشر در جنگ‌های افغانستان متهم هستند در پهلوی رهبران جهادی سابق به تشکیل احزاب سیاسی نیز پرداختند.

مؤسسه یا دفتر حقوق بشر در افغانستان که وظیفه اش گرفتن حقوق حقه مردم افغانستان است با وجودی که شناخت کامل از هر یک‌شان داشته و دارد و اسناد و دوسیه‌های‌شان در دفتر موجود نیز می‌باشد خموشی اختیار کرده و هیچ‌گاهی سد راه فعالیت‌های سیاسی ایشان نگردیده است.

در خارج از کشور نیز از اوضاع نامساعد دیگران به نفع خود سوء استفاده به عمل آورده‌اند. زیرا دیده می‌شود که در تلویزیون‌های خصوصی که از طریق امریکا به سراسر جهان پخش می‌شود باز هم چهره‌های اعضای حزب دیموکراتیک خلق در برنامه‌های مختلف دیده شده و حتی بعضی‌ها با گذشته حزبی و فعالیت در دستگاه جهانی‌خاد برنامه تهیه می‌کنند و در مقابل پرداخت یک مقدار پول به تلویزیون‌های خصوصی نشرات دارند که با استفاده از آن در برنامه‌های خود گزارشات، مصاحبه‌ها و فعالیت‌های رفقای حزبی خویش را زیرکانه پخش می‌کنند.

به عکس نگاه کنید در هر قریه و ده وطن ما باقی مانده سر و دست یک هموطن مظلوم ما موجود است. با فراهم شدن شرایط و دست یافتن به تکنالوژی مدرن به خصوص اینترنت در سراسر جهان امکانات فعالیت‌های فرهنگی از طریق وبسایت‌ها و صفحات اینترنتی و بلاک‌ها برای همه مهیا گردید از این امکانات تعداد کثیری از هموطنان ما نیز استفاد کرده و به فعالیت فرهنگی از طریق اینترنت و باز نمودن صفحات اینترنتی در خدمت مردم‌شان قرار گرفته‌اند.

در جمله وبسایت‌هایی که از طرف افغان‌ها باز شده دیده می‌شود که طرفداران نور محمد تره‌کی، حفیظ الله امین، ببرک کارمل و نجیب الله هر کدام به رسته خود نشرات داشته و از رهبران سیاسی خود با القاب بلند بالا یاد آوری نموده و هر کدام آنها را قهرمانان کشور معرفی نموده از جانب دیگر یکی بر سر دیگری کوبیده و جنایات و اشتباهات گذشته را یکی بر گردن دیگری می‌اندازند ولی تا کنون هیچ‌کدام‌شان حاضر به این نشده است که مسؤولیت قتل و قتال، شکنجه و آزار و اذیت مردم شریف افغانستان و بالاخر وطن‌فروشی را بدوش گرفته و به جنایات و اشتباهات خویش سر بگذارند و از محضر ملت افغانستان طلب عفو نمایند.

اعضای حزب دیموکراتیک خلق، بر علاوه اینکه در صفحات مربوط خود شان یکی بر علیه دیگر می نویسند بعضی از ایشان در وبسایت هایی که گردانندگان شان گذشته را به باد فراموشی سپرده و در این مسایل بی اعتنی و بی مسؤولیت برخورد می کنند مقالات شان را به نام و عکس های شان و بعضی هم قسمی که گفته آمدیم به نام های مستعار انتشار می دهند طور مثال یکی از خادیسست های پوهنتون طب کابل به نام مستعار در یکی از وبسایت ها که من نیز بعضاً همکاری داشتم مطلبی ارسال داشته بود که منتشر شد. من با دیدن مطلب و عکس آن شخص از روی همکاری بسیار مؤدبانه و واقعاً دلسوزانه نام اصلی و تخلص و گذشته آن شخص را نوشته و برای گرداننده وبسایت ارسال داشتم. مسؤول وبسایت با بسیار بی اعتنایی در جواب ایمیل من نوشت که نوشته این شخص مورد علاقه من می باشد به گذشته اش کاری ندارم و گذشته او برایم بی اهمیت است.

از این موضوع نزد خود چنین نتیجه گرفتم یا اینکه مسؤول وبسایت قبلاً روابط و ارتباطات سازمانی داشته و یا اینکه انسان جیون و ترسو و بی خاصیتی می باشد که به اصطلاح عامیانه از تپ تپ پای هراس دارد.

چیز دیگری که در شرایط امروز افغانستان و به خصوص در مطبوعات سراسری و رسانه ها رخنه کرده مسایل قومی و زبانی و نژادی می باشد که با تأسف همه چیزهای دیگر را تحت شعاع خویش قرار داده است. اگر یک جنایت کار و یا شکنجه گر روابط قومی و نژادی با یک نویسنده داشته باشد، آن نویسنده باوجودی که به مسایل وارد هم است از تمام جنایات آن شخص چشم پوشی نموده به طرفداری و دفاع آن شخص می براید و به بازی کلمات حتی به دشنام طرف مقابل متوسل شده می خواهد اتهامات و بار جنایت و شکنجه را از شانه های شخص مورد نظرش برطرف کند.

چون موضوع در باره رسالت نویسندگان و رسانه ها می باشد بهتر آن است که مثالی از این گونه روابط بیاوریم: یکی از نویسندگانی را می شناسم که در زمان زمام داری حزب دیموکراتیک خلق بندی شده و مدتی را عقب میله های زندان پلچرخ سپری نموده است. ولی امروز نظر به این علاقه که دو تا دوسیه دار او را بازی داده و پیش انداخته اند نوشته هایی را در طرفداری آنها چاپ می کند که آنها هم صفتش را کنند. تمام جنایات گذشته را کنار گذاشته بالای شخصیت های محترمی که شکنجه گران و قاتلان را معرفی کرده اند زبان درازی و قلم پردازی می کند. و گاهی به نام مستعار، یا زیر نام یکی از خانم هایی که سابقه حزبی و همکاری با شکنجه گران دارد، نوشته میکند. آدمی که خبر ندارند، پرچی ها در غیاب شان ریشخند می کنند که فلانی را استخدام کردیم. البته اگر پشت پرده رابطه دیگری بوده آن را به خداوند و اطلاعات مردم مطلع می سپاریم.

این جانب مثل تعدادی که وفا به عهد دارند، همیشه گفته ام که آنانی که با دیده درایی می خواهند سیاهی را به مردم شریف وطن، سفید نشان بدهند، تلاش عبث و بیهوده دارند. در صورتی که تمام مردم شریف افغانستان سیاهی و سفیدی را به خوبی از هم تفریق کرده می توانند. همین جا قابل تذکر است که یک تن از هوطنان جناب حسن امیری هم بی هراس و با وفا به عهد در سال های آخر کوشش کرده و کوشش قابل قدر می کند که لیست جنایتکاران و لیست قربانیان و شهدای گلگون کفن وطن ترتیب شود. باید از ایشان به قدرانی یاد کنیم از شخصیتی که جنایتکاران او را خار چشم می بینند.

در ارتباط با لیست ۵۰۰۰ نفری از قربانیان رژیم وحشت و دهشت خلق و پرچم، در باره بی پروایی ها، بی مسؤولیتی ها و فراموش کردن وظیفه مقدس مبارزه با اشخاصی نوشتیم که سابقه جنایتکارانه دارند. ولی قابل تذکر است که شهادت بیگناهان را این ۵۰۰۰ نمی سازد. ده ها و صدها هزار شهید شده اند. سوم حوت ۵۸، ثور ۵۹، بمب انداختن

های که هزاران قریه و ده را خراب و به خاک یکسان کرده است. بعد از حفیظ الله امین خون آشام بود. خاد داکتر نجیب الله – شوروی ها دست بردار شکنجه و اعدام نشدند. ده ها محبس و پلچرخی دیگر وجود داشت. باید لیست آنها هم به نشر برسد.

نشر لیست پنج هزار شهید برای مردم ما اگر رنج آور بوده است امیدوار کننده هم است برای اینکه بالاخره حقیقت جای خود را می گیرد و اگر آنانی که بخواهند حقایق را کتمان نموده و گذشته شان را پنهان نمایند و یا اینکه بالای جنایات گذشته شان خاک بباندازند، بالاخره چلوصاف شان از آب می براید و روزی خواهد رسید که جواب گوی همه جنایات خود باشند. چنانچه امروز اکثر اعضای حزب دیموکراتیک خلق از خجالت سر بالا کرده نمی توانند و نزد مردم خویش خجل هستند.

پس آنچه گفته آمدیم، تمام رسانه ها باید قبل از همه منافع علیای مردم شریف افغانستان را مد نظر بگیرند و برای آن عده از کسانی که در نقض حقوق بشر در افغانستان دست داشتند زمینه فعالیت های فرهنگی را ندهند، آنها را معرفی کنند. به هر دوره و به هر حزب و تنظیمی که مربوط بوده اند. بگذارند که در جای خود و با خود باشند. خود را در نزد رسانه های غیر حزبی پت و مخفی نکنند. آنها باید از خود انتقاد کنند. از گذشته انتقاد کنند. تا اولاد شان هم آنها را بشناسند.

رسانه ها وظیفه دارند که فعالیت های وحشیانه انتحاری ها و بادران شان را محکوم کنند. استخدام کنندگان انتحاری ها، از دین مقدس اسلام، از پسماندگی اطفال و جوانان از جهالت شاخه های القاعده و طالبان افغان و پاکستانی استفاده سوء کرده اند. این ها همه وظیفه رسانه های با رسالت است نه رسانه هایی که خود را با جانک لالیش گفتن مشغول ساخته اند.

پایان